

# حال پخته

نگاهی به ارتباط مرگ، زندگی و معنا در مثنوی معنوی

نویسنده: سیده زهرا حسینی

www.ketab.ir

حسینی، سیده زهرا، ۱۳۶۵ -

مثنوی، برگزیده، شرح

حال پخته: نگاهی به ارتباط مرگ، زندگی و معنا در مثنوی معنوی / نویسنده سیده زهرا حسینی.

تبریز: رندان قلم، ۱۳۹۲.

۲۳۵ ص. مصور، جدول؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

978-600-92680-4-7

۸۵،۰۰۰ ریال

فیبا

چاپ قبلی: دفتر علم، ۱۳۹۱ (۲۳۵ ص.).

کتابنامه: ص. ۲۲۵ - ۲۳۵ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۷۲۲ ق. مثنوی، برگزیده -- نقد و تفسیر

۲. شعر فارسی -- قرن ۷ ق. -- تاریخ و نقد ۳. مرگ ۴. زندگی

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۴ - ۷۲۲ ق. مثنوی، برگزیده، شرح

۸۵۱/۳۱

۳۰۸۱۰۱۷

۱۳۹۲ ج ۴۷ ح ۱/۵۳۰ PIR

کتابخانه ملی ایران

نشر رندان قلم؛ ۸۵۱/۳۱

---

# حالِ نخت؛ محاسبی به ارتباطِ مکر، زندگی و معنادر مثنوی

---

نویسنده: سیده زهرا حسینی

---

ناشر: رندان قلم

---

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۲ (چاپ اول این ناشر)؛ شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

---

ناظر چاپ: سیدعلی اصغر حسینی؛ چاپ و صحافی: اسپید

---

قیمت: ۸۵،۰۰۰ ریال

---

طراح جلد: حسین وحدانی

---

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۶۸۰-۴-۷

---

## فهرست

### پیشگفتار

۱۱

۱۵

گفتار نخست؛ درآمدی بر مرگ اندیشی و مسائل آن

۱۷

درآمد: اندیشیدن یا بندیشیدن

۲۰

مرگ‌هراسی

۲۶

مرگ و معنای زندگی

۲۷

نظریات معنای زندگی

۲۸

۱- هدف یا غایت زندگی

۲۹

۲- ارزش زندگی

۳۰

گذری بر مطالب گفتارهای بعد

۳۵

گفتار دوم: مرغ مرگ‌اندیش و طوطی نقل شکر

۳۷

درآمد؛ مرگ‌اندیشان

۳۹

تقسیم امام محمد غزالی از افراد مرگ‌اندیش

۴۲

انواع مواجهه با مرگ در مثنوی

۴۳

واکنش نخست: انکار و غفلت

۴۴

واکنش دوم: هراس، مرغ و گریه

|    |                                                     |
|----|-----------------------------------------------------|
| ۴۶ | واکنش سوم: مجرم، قاضی و تغییر ضمیر                  |
| ۴۷ | واکنش چهارم: مرگ‌خواهی                              |
| ۴۹ | واکنش پنجم: تسلیم                                   |
| ۵۱ | آنچه گذشت                                           |
| ۵۳ | گفتار سوم: مرگ‌خواهی و معنای زندگی                  |
| ۵۵ | درآمد: گریز از زیستن                                |
| ۵۷ | انگیزه مرگ‌خواهی                                    |
| ۶۱ | ۱- جاودانگی و مرگ؛ ابدیت و بقا                      |
| ۶۳ | ۱-۱- معنای اول جاودانگی                             |
| ۶۶ | ۱-۲- معنای دوم و مواجهه با مرگ در ارتباط با آن      |
| ۶۸ | بقا                                                 |
| ۷۲ | تفسیر مثنوی با تقسیم صدر المتألهین از نشئه‌های وجود |
| ۷۳ | مواجهه با توجه به معنای دوم                         |
| ۷۴ | ۲- عشق و مرگ؛ حیرانی زیان                           |
| ۷۷ | مواجهه با توجه به عشق و وصال                        |
| ۷۸ | بیان و لحن سخن                                      |
| ۸۰ | ۳- کمال و مرگ: سه روایت از یک شعر                   |
| ۸۱ | ۳-۱- تکامل نوعی                                     |
| ۸۳ | ۳-۲- تکامل تکوینی                                   |
| ۸۵ | ۳-۳- تکامل عرفانی                                   |
| ۸۶ | مواجهه با مرگ با توجه به کمال                       |

- ۸۸ ۴- اصل و مرگ؛ نیستان
- ۹۱ مواجهه با مرگ بر حسب باور به بازگشت به اصل
- ۹۲ ۵- معرفت و مرگ؛ انعکاسات نظر
- ۹۲ حقیقت‌جویی و مواجهه با مرگ
- ۹۳ ۶- رهایی و مرگ؛ قهرخانه خدا
- ۹۶ موت اختیاری
- ۹۷ آنچه گذشت
- ۱۰۱ گفتار چهارم؛ مرگ و معنای زندگی
- ۱۰۳ درآمد: از آمدن و رفتن ما سردی کو؟
- ۱۰۴ غایت زندگی در مثنوی
- ۱۰۸ هدف زندگی در ارتباط با مرگ
- ۱۱۵ آنچه گذشت
- ۱۱۷ گفتار پنجم؛ تجربه گونه‌های مرگ در زندگی
- ۱۱۹ درآمد: پختگی در مرگ
- ۱۲۰ نماد، تشبیه و گونه
- ۱۲۳ تجربه
- ۱۲۶ گونه‌های مرگ در زندگی
- ۱۲۷ ۱- تکامل انسان و مرگ
- ۱۲۹ تکامل و تجربه مرگ
- ۱۲۹ تعبیر فراموشی به جای ناآگاهی
- ۱۳۰ تجربه‌های نزدیک به مرگ

|     |                                                   |
|-----|---------------------------------------------------|
| ۱۳۲ | ۲- خلق مدام و مرگ                                 |
| ۱۳۷ | ۳- خواب و مرگ                                     |
| ۱۴۲ | ۴- موت اختیاری و مرگ                              |
| ۱۴۴ | موت اختیاری و تجربه                               |
| ۱۵۰ | وجه مشترک گونه‌های مرگ                            |
| ۱۵۲ | آنچه گذشت                                         |
| ۱۵۵ | گفتار ششم: رنگی مرگ و زندگی                       |
| ۱۵۷ | درآمد: آینه                                       |
| ۱۶۰ | معنای اول: مواجهه با مرگ متناسب با مرگ            |
| ۱۶۲ | مبانی باور به تأثیر مرگ از زندگی                  |
| ۱۶۴ | معنای دوم: مواجهه انسان با مرگ در ارتباط با زندگی |
| ۱۶۷ | گونه‌هایی از تأثیر زندگی بر مرگ در مثنوی          |
| ۱۶۸ | ۱- تحلیل خودکشی                                   |
| ۱۷۰ | ۲- تلقین بیماری                                   |
| ۱۷۱ | ۳- زندگی عارفان و باورهای مربوط به آن             |
| ۱۷۳ | نتایج باور به انعکاس زندگی در مرگ                 |
| ۱۷۳ | ۱- مواجهه با مرگ براساس این باور                  |
| ۱۷۵ | ۲- توصیه به مرگ اختیاری                           |
| ۱۷۶ | ۳- تحمل دردها                                     |
| ۱۷۷ | ۴- انجام عمل نیک به قصد مرگ خوب                   |
| ۱۷۸ | آنچه گذشت                                         |

|     |                                          |
|-----|------------------------------------------|
| ۱۸۱ | گفتار هفتم: زندگی از دریچه مرگ           |
| ۱۸۳ | درآمد: تمیز واقعیت و توهم                |
| ۱۸۴ | مرگ در کتب اخلاق                         |
| ۱۸۸ | مرگ در مثنوی به عنوان کتابی اخلاقی       |
| ۱۸۸ | ۱- واژگان؛ مفهوم هلاکت                   |
| ۱۹۲ | ۱-۱- واژگان حقیقی                        |
| ۱۹۲ | ۱-۲- تشبیهات، تشبیهات و استعارات         |
| ۱۹۲ | ۱-۳- توصیفات                             |
| ۱۹۵ | ۲- مرگ دیگری؛ عبرت                       |
| ۱۹۷ | ۳- مرگ خود؛ مرگ به مثابه موقعیت مرزی     |
| ۲۰۰ | الیناسیون                                |
| ۲۰۲ | انسان اصیل در مثنوی                      |
| ۲۰۶ | خود پنداره و خویشتن                      |
| ۲۱۰ | نمونه‌های دیگری از موقعیت مرزی در مثنوی  |
| ۲۱۰ | بیماری                                   |
| ۲۱۱ | ماجرای نصح                               |
| ۲۱۲ | بلا                                      |
| ۲۱۶ | نقش مرگ‌اندیشی در ارزش‌سنجی عملکرد افراد |
| ۲۲۱ | آنچه گذشت                                |
| ۲۲۳ | کتابنامه                                 |



## پیشگفتار

### دریابد حال پخته هیچ خام

اگر بخواهم رسم و ادب دیباچه نگاری به جای آورم، باید این مقدمه را با سخنی چند درباره مولانا جلال الدین از سال ششصد و چهار هجری قمری تا سده ششصد و هفتاد و دو، از بلخ تا قونیه، از کرسی تدریس فقه تا شاگردی شمس ژولیده، از سجاده نشینی تا سماع، از ردا تا خرقه، از خامی تا سوختگی، از «زاهدی تا ترانه گویی»<sup>۱</sup> و ... آغاز کنم؛ سخنانی که بسیاری کسان، انگشت تحیر گران درباره او گفته اند، به ویژه آن زمان که آن «زاهد ترسان» به یکباره «عاشقی پران» شد<sup>۲</sup> و «سجاده نشینی باوقار» به یکسو نهاد و «بازیچه کودکان کوی» گشت.<sup>۳</sup> در این باره بارها گفته و نوشته اند و گمان نمی کنم جان شیفته ای به خواندن مثنوی روی آورد بی آنکه سرگذشت شیفتگی او را شنیده باشد. می خواهم رسم ادب فرو نهم و به فرموده آن «پخته سوخته»<sup>۴</sup> درباره «احوالی»<sup>۵</sup> که درکش برای «خام»

۱. زاهد بودم ترانه گویم کردی / سر حلقه بزم و باده جویم کردی

۲. زاهد با ترس می تازد به پا / عاشقان پران تر از برق و هوا

۳. سجاده نشین باوقاری بودم / بازیچه کودکان گویم کردی

۴. خام بدم، پخته شدم، سوختم / تا هنر عاشقی آموختم.

۵. در نیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید والسلام.

توجه: عنوان کتاب، برگرفته از همین بیت است و گوشه چشمی هم به این اقرار مولانا دارد که: خام بدم، پخته شدم، سوختم! با این حال صرفاً یک گزینش لفظی نیست، بلکه بیشتر حاکی از یک نگاه منحصر به فرد در مثنوی است که در گفتار پنجم این نوشتار به آن خواهیم پرداخت. مولانا از یکسو چشیدن و تجربه شخصی را راه معرفت واقعی می داند و سخن از این می گوید که این معرفت را کسی تنها از راه سمع و قول در نخواهد یافت و از سوی

نوآموزی چون من دشوار است، «حرف و صوت و گفت را بر هم زنم»<sup>۶</sup> و «قافیه‌اندیشی»<sup>۷</sup> را کنار گذارم و چیزی نگویم. هرچند ادعایی نمی‌کنم در فهم «کتاب آن عالی‌جناب»<sup>۸</sup> هم کژ نرفته و «ره افسانه زده»<sup>۹</sup> باشم که حتی «در خم یک کوچه»<sup>۱۰</sup> هم نبوده‌ام. آنچه نوشته‌ام تنها به سبک درس و مدرسه بوده و تنها میخانه‌ای که گهگاه در مدت نگارش از آن سرمست می‌شدم، محضر دانشوران بزرگواری چون آقایان دکتر فرامرز قرامتکی و دکتر حاجیان‌نژاد و خوشه‌چینی از «خوان گسترده کرم»<sup>۱۱</sup> و فضل آنهاست. گرچه در طریق شاگردی نیز چندان به صواب نبوده‌ام، اما دقایق درستان برایم «معراج حقایقی»<sup>۱۲</sup> بود. اگر خواننده عزیز هم حسنی در این اوراق ببیند از سایه این بزرگان است و کاستی‌های آن از من. در آغاز کار، دوستی پرسید: چرا سخن از مرگ؟! آن‌هم در مثنوی که سرشار از شور زندگی است. پاسخ من این بود که اتفاقاً چون سرشار از شور زندگی است می‌خواهم از مرگ بپرسم که چگونه می‌توان مرگ را دید و زندگی را شاد زیست؟ چگونه می‌توان سرشار از شور زندگی بود و غم پایان آن را نخورد؟ پرسش‌هایی را که بارها پرسیده‌اند. خلاصه با این نگاه وارد مثنوی شدم تا از مولانای پخته که راه معرفت را هم پختن و تجربه می‌داند و خرسند و بی اعتراض در پی «ساختن عالمی و آدمی از نو»<sup>۱۳</sup> هم نیست، بپرسم: «گر نیک آمد، شکستن از بهر چه بود؟!»<sup>۱۴</sup> و

دیگر، مرگ را در قالب گونه‌های دیگری قابل تجربه در زندگی می‌انگارد. بنابر این او مرگ را هم که مخفی‌ترین پدیده است قابل شناخت می‌داند و به نظرش در این باره نیز می‌توان به پختگی رسید. این نوشتار مطالعه‌ای از سخن یک پخته درباره مرگ و زندگی است. (رک: گفتار پنجم).

۶. حرف و صوت و گفت را بر هم زنم / تا که بی این هر سه با تو دم زنم.

۷. قافیه اندیشم و دلداری من / گوید مندیج جز دلداری من.

۸. من نمی‌گویم که آن عالیجناب / هست پیغمبر ولی دارد کتاب (درباره مولانا از شیخ بهائی).

۹. جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذربنه / چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند (حافظ).

۱۰. هفت شهر عشق را عطار گشت / ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم.

۱۱. خوان کرم گسترده‌ای همچنان خویشم کرده‌ای / گوشم چرا مالی اگر من گوشه نان بشکنم؟!

۱۲. چون به «معراج حقایق» رفته بود / بی بهارش غنچه‌ها ناکفته بود (بیت آغازین دفتر چهارم درباره حسام الدین).

۱۳. آدمی در عالم خاک نمی‌آید به دست / عالمی از نو بیاید ساخت و ز نو آدمی (حافظ).

۱۴. دارنده چو ترکیب طایع آراست / از بهر چه او فکندش اندر کم و کاست.

این چنین این نوشتار اختصاص یافت به ارتباط مرگ و زندگی در مثنوی معنوی. در گفتار نخست، گذری بر مسائل مهم مرگ اندیشی خواهیم داشت و سپس در گفتارهای بعد، این مسائل را در مثنوی مطالعه خواهیم نمود. سیر سخن از نگاه به مرگ (مرگ اندیشی) در زندگی (گفتار دوم) آغاز می شود و با گذری از ارتباط مرگ و مرگ اندیشی با معنای زندگی (گفتار سوم و چهارم) وارد ارتباط تنگاتنگ زندگی و مرگ در جهان خارج (گفتار پنجم و ششم) می شود. گفتار آخر (گفتار ششم) بر خلاف گفتار نخست به نگاه از زاویه مرگ به زندگی می پردازد و تأثیرهای مرگ اندیشی در زندگی را بررسی می کند. هر گفتار با مسئله آغاز می شود و متن گفتار در پی حل آن مسئله است و در آخر نیز با یک جمع بندی به پایان می پذیرد. منابع استفاده شده در پایان آمده است.

به لحاظ روش تحقیق، این پژوهش محدود به استفاده از یک روش خاص نیست. بلکه با توجه به فصول و مطالب آن از رویکردهای تفسیری (به ویژه تفسیر مثنوی با مثنوی)، سمانتیکی مبتنی بر کل، تحلیلی (تحلیل مفهومی) و حتی اندکی تأویلی، استفاده می نماید. اما آنچه بیش از همه نمایان است، روی آورد سمانتیک مبتنی بر کل است. این پژوهش - که مبتنی بر مطالعه کل مثنوی بوده است - در صدد است تا علاوه بر توجه به کم و کیف واژگان مرتبط با مرگ (مترادفها، استعارات، تشبیهات و ...) و شمارش آنها، با مطالعه سایر آثار مولانا به ویژه دیوان کبیر و منابع مولانا نظیر قرآن کریم و تفاسیر آن و کتب امام محمد غزالی - که از تأثیر گذارترین افراد بر مولانا بوده است - تا حد امکان به مقصود مولانا پی ببرد. اما در برخی فصول دیگر روی آورد تحلیلی - منطقی بیشتر کاربرد دارد؛ مثلاً در فصل پنجم (تجربه مرگ) بیشتر از تحلیل مفهومی و

گر نیک آمد شکستن از بهر چه بود/ ورنیک نیامد این صور، عیب کرامت؟! (خیام).

تحلیل مبانی معرفتی استفاده شده است. علاوه بر مطالعه منابع مرتبط با مثنوی، آثار اگزیستانسیالیست‌هایی نظیر سارتر، کامو، کی‌یرکگور، نیچه و ... نیز به‌ویژه برای طرح مسئله بسیار مفید بود و به درک مثنوی در پرتو مقایسه نیز بسیار مدد نمود.

امیدوارم توانسته باشم گامی کوچک در مسیر قرائت مثنوی برداشته باشم و آرزو دارم این اوراق برای خواننده عزیز بیهوده نباشد. پیشنهادات و انتقادات بزرگواران را به دیده منت می‌پذیرم و دوستان می‌توانند نظرات خود را به نشانی الکترونیکی زیر ارسال نمایند:

Zahra.hosseini@alumni.ut.ac.ir

در پایان از تمامی افرادی که در این مسیر همراهیم کردند، به‌ویژه پدر بزرگوار و فاضلم که بنده را برای بازنگری و چاپ این اوراق که صورت نخستین آن پایان‌نامه<sup>۱۵</sup> بود، بسیار تشویق کرده است، سپاسگزاری می‌کنم و علاقه خود به مثنوی و به‌طور کل ادبیات را مدیون خاطرات خوش و فراموش نشدنی روزگاران کودکی هستم که در کنارشان غزلیات حافظ و مناظرات پروین می‌خواندم و از مثنوی‌خوانی‌های ایشان به وجد می‌آمدم. همچنین از مدیران و دست‌اندرکاران انتشارات رندان قلم و جناب آقای جابر انصاری (در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) که نشر مجدد این نوشتار به همت و زحمت ایشان انجام شده، بسیار متشکرم.

زهرا حسینی

بهمن ماه ۱۳۹۱

۱۵. این پایان‌نامه با عنوان «هم‌رنگی مرگ و زندگی در مثنوی معنوی» به راهنمایی آقای دکتر احد فرامرز قراملکی (استاد گروه فلسفه و حکمت اسلامی) و به مشاوره آقای دکتر علیرضا حاجیان نژاد (دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی) در بهمن ۱۳۸۹، در گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه تهران دفاع شد.